

اسراف و تبذیر یا تجمل پرستی

هر کس
از بخل و
نفس خود
مصون شد
او از
رستگاران
است

تفسیر
قرآن مجید
بر اساس
تفسیر
موضوعی

در قتل اسراف نورزید

در شماره گذشته پیرامون اسراف و تبذیر در جهان غرب
بحث و گفتگو به عمل آمد، اکنون موضوع را از دیدگاه
قرآن مطرح میکنیم؛

کمیت مطرح نیست

یادریایان سوزان در برابر فرد تشنه‌ای نیم‌خورده
ای بدور ریخته شود آن اسراف است (۱)
از این جهت قرآن در مسأله قصاص آن جا که
بجای قاتل، غیر او کشته شود، مسئله اسراف را
مطرح می‌کند و می‌فرماید:

«ومن قتل مظلوما فقد
جعلنا لولیة سلطانا فلا یسرف
فی القتل انه کان منصوراً»
(اسراء آیه ۳۳)

هر کس بی‌گناه کشته شود، ما به

نکته مهم در اسراف در قرآن این است که
هدف جلوگیری از هرنوع اتلاف است، هر چند،
جزئی و کوچک باشد، مالاک در اسراف این نیست
که برای حفظ قیمت گندم در جهان، هزاران
خروار گندم را به دریا بریزند، و یا آتش بزنند،
بلکه، کیفیت نیز در مورد اسراف اهمیت دارد،
آنجا که دیناری در راه گناه مصرف گردد پناهسته‌ای
که می‌تواند مفید واقع شود، به دور ریخته‌شود

۱- ان السرف یبغضه الله حتی طرحك النواة فانها تصلح للشیء حتی صبك فضل مائك (بحار الانوار

ج ۱۵ ص ۱۹۹)

بخشنده باش ولی اسراف گر مباش

کسانی که
از حرص
نفس
محفوظ
بمانند
رستگار
خواهند
بود

نکته: در این
موضوع فراد
به هر باشد
اگر از طاعت
ممن است
گرمسار
اندازه گیری
می‌شود
(طبرستان)

عدالت قانونی است همگانی و مدبر و مدیری است کلی که اجتماع را در برمیگیرد

معرفی میکند، زیرا نعمت را در غیر مورد طبیعی
آن به کار می‌برند آنجا که می‌فرماید: اتاتون
الرجال شهوه من دون النساء بل انتم قوم
مسرغون (سوره اعراف آیه ۸۱)
آیا بجای زنان با مردان آمیزش می‌کنید، شما
گروه تجاوزگر هستید.

راغب که فرهنگی برای قرآن نوشته است،
در باره اسراف سخنی دارد که از اهمیت خاصی
برخوردار است. وی می‌گوید: هر کاری که از نظر
کمیت و یا کیفیت، از اندازه خود تجاوز کند، آن اسراف
است و هر چیزی که در راه غیر اطاعت خدا
مصرف گردد و هر چند کم باشد اسراف خواهد
بود (۲)

بخاطر وسعت و گسترشی که در معنی اسراف
وجود دارد، قرآن در آیاتی روی اسراف بدون
لطف و ورق بزند

ولی او قدرت بخشیدیم که
تصاص کند و یا دیه بگیرد و یا
عفو کند) ولی در قتل اسراف
نورزد، زیرا ولی او نصرت یافته
است.

در دوران جاهلیت، اگر قتلی اتفاق می‌افتاد
یاران مقتول، میان قاتل و بستگان قاتل، تفاوتی
قائل نبودند گاهی بزرگ قبیله‌ای را به عنوان
این که قاتل از آن قبیله است از پای در می‌آوردند
قرآن تمام این موارد را اسراف می‌خواند،
زیرا برفرض این که در این موارد، فقط يك نفر
در برابر يك نفر کشته شود، باز چون فرد بی-
گناهی بجای قاتل گشته است، آن را اسراف
می‌نامد.

بخاطر همین جهت قرآن قوم لوط را اسراف گر

اسراف و تبذیر یا تجمل پرستی

انفاق یکی از کارهای نیک است که اسلام به آن دستور داده است ولی اگر از حد اعتدال بیرون آید، و باعث تنگی زندگی انسان گردد، چه بسا بی آمد خوبی نداشته باشد از این جهت قرآن دستور می دهد که در این کار نیز گام از حد اعتدال بیرون ننهیم. چنانکه می فرماید:

**« وَالَّذِينَ إِذَا انْفَقُوا لَمْ
يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ
بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا »** (فرقان
آیه ۶۷)

آنان که وقتی انفاق می کنند، اسراف نمی ورزند و تقتیر نیز نمی کنند، بلکه میان این دو راهی را برمیگزینند.

یکی از دستورات اسلام این است که موقع چیدن میوه و درو کردن محصول، مقداری از آن را به افراد مستحق بپردازند و در کتابهای فقهی به آن «حق الحصاد» می گویند، و این دستور غیر از «زکات» واجب است که باید بعد از برداشت، ولی قرآن در همین مورد دستور می دهد که در انجام این وظیفه باید حد اعتدال را در پیش گرفت و نباید آنچنان دست و دل باز بود که هر چه دارند به این و آن بدهند و خود و فرزندان معطل بمانند چنانکه می فرماید :

**كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا
حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا
إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُسْرِفِينَ** (سوره
انعام آیه ۱۴۱)

از آن میوه به هنگامی که به ثمر

رسد و شرط تکیه می کند و از هر نوع تجاوز از حد، در هر موضوعی، نکوهش میکند و می فرماید:

**وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ اسْرَفَ
وَلَمْ يَمُنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ (طه ۱۲۲)**
این چنین اسراف گران را کیفر می دهیم، کسانی که به آیات پروردگار خود مومن نباشند.

ولسی با این نکوهش در آیات دیگر به عموم اسراف گران هشدار می دهد که اگر از کردارهای زشت خود پشیمان گردند، و به شرایط توبه عمل نمایند، درهای توبه و آموزش به روی آنان باز است چنانکه می فرماید :

**قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرِفُوا
عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَسُوا مِنَ
رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ**
(سوره زمر آیه ۵۳)

بگو به بندگان من که در باره خویش زیاده روی کرده اند، از رحمت خدا نومید نشوید، خداوند تمام گناهان را میبخشد اوست آمرزنده و رحیم.

و در آیه دیگر کلیه اسراف گران را راهنمایی می کند که دره مقام طلب مفقوت، چنین بگوئید :

**رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَاسْرِفْنَا
فِي أَمْرِنَا (آل عمران آیه ۱۴۷)**
پروردگارا گناهان و زیاده رویهای ما را در زندگی خویش، ببخش

میان راه روی در امور نیک

اسراف و تبذیر یا تجمل پرستی

ویو ثرون علی انفسهم ولو
كان بهم خصاصة ومن يوق
شح نفسه فاولئك هم
المفلحون (حشر آیه ۹)

دیگران را برخواستن هرچند
نیازمند باشند ، مقدم می‌دانند
کسانی که از حرص نفس محفوظ
بمانند رستگار خواهد بود.

در این آیه، از ایثار مال در صورت نیاز به آن
ستایش شده است، و این ستایش به ظاهر برخلاف
دعوت به اعتدال و میانه روی است که در آیات
دیگر روی آن تکیه می‌شود.

همچنین در زندگی امیرمؤمنان و خاندان رسالت
می‌خوانیم که سه شب، افطاری خود را به فقیر و
یتیم و اسیر دادند ، و خود با آب افطار کردند و
لذا در مورد آنان آیه یاد شده در زیر نازل گردید.

ویطعمون الطعام علی حبه
مسکینا و یتیما و اسیرا
(انسان آیه ۸)

غذا را با این که دوست دارند به
مستمند و یتیم و اسیر میدهند.

آیا عمل خاندان رسالت، که مصداق روشن
ایثار است که دعوت به اعتدال در انفاق می‌کند ،
چگونه سازگار می‌باشد.

پاسخ

شکی نیست که هر یک از این دو اصل : میانه
لطفاً ورق بزنید

می‌نشیند، بخورید و حق آن را
به هنگام درو بپردازید و اسراف
نکنید که خداوند مسرفان را
دوست نمیدارد.

در احادیث پیشوایان بزرگ به این نوع از
اسراف اشاره شده است که برخی را نقل میکنیم.
امیرمؤمنان درباره انفاق می‌فرماید:

بخشنده باش ولی اسراف گرمباش
میانه رو و اندازه گیر باش، سخت
گیر باش (۱)

در برخی از احادیث در برابر اسراف به اندازه-
گیری در زندگی دعوت شده و امام علی یادآور
گشته که آن کس مزه ایمان می‌چشد که در اوسه
صفت موجود باشد.

آگاهی از حقیقت دین، استقامت در گرفتاریها
و اندازه گیری در معیشت (۲)

امیرمؤمنان می‌فرماید : آن کس که دخل و
خرج خود را اندازه گیری نکند، فقیر می‌گردد. (۳)

* * * پاسخ یک پرسش * * *

آیات یاد شده گواهی میدهد که قانون عمومی
در مسأله انفاق همان میانه روی در انفاق و
رعایت اقتصاد و اعتدال میباشد .

در این مورد سوالی مطرح است و آن اینکه:
در برخی از آیات از ایثار هر چند مایه ضیق در
معیشت گردد ستایش شده است، آنجا که می‌فرماید:

۱- کن سمحا ولا تکن مبذراً، و کن مقدرآ ولاتکن مقترآ (نهج البلاغه کلمات قصار شماره ۳۲)

۲- لایذوق المرأ حقیقة الایمان حتی یکون فیه ثلاث خصال الفقه فی الدین و الهبر فی المصائب
وحسن التقدير فی المعاش (بحار الانوار ج ۱۵ ص ۱۹۹)

۳- ترک التقدير فی المعیشة یورث الفقر

اسراف و تبذیر یا تجمل پرستی

روی در انفاق و ایثار در عین احتیاج از اعمال بسیار مفید است، و از سجایای انسانی و فضایل اخلاقی کشف می‌کند ولی با این اعتراف، میانه روی در انفاق یک اصیل همگانی است که همه مردم به آن دعوت شده‌اند و مصالح عمومی نیز ایجاب می‌کند که نوع مردم در انفاق و بخشش از این اصل بهره بگیرند، ولی اصل ایثار در حال نیاز به آن، یک اصل خصوصی است که تنها گروهی فداکار و از خود گذشته، می‌توانند به آن عمل کنند.

از آنجا که اصل ایثار در عین نیاز، از فداکاری و خودگذشتگی بیشتری سرچشمه می‌گیرد، و نوع افراد فاقد یک چنین تربیت و روحیه می‌باشند، از این جهت، این اصل مربوط به گروه خاصی است که علی‌وار زندگی مینمایند، در حالی که اصل میانه روی در انفاق مربوط به تمام طبقات است که می‌تواند با حفظ مصالح خود، به مصالح جامعه نیز بپردازد.

این تنها «اعتدال» و «ایثار» نیست که یکی قانون عمومی و دیگری جنبه خصوصی دارد، بلکه در جهان اصول اخلاقی و اجتماعی نمونه‌هایی از این قبیل موجود است. مردی از امیرمؤمنان پرسید: عدالت شریف‌تر و بالاتر است یا جود و بخشندگی.

امام فرمود: عدالت امور را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد، اما جود امور را از مجرای طبیعی خود خارج می‌سازد. (۱)

یعنی عدالت این است که به هر کسی به اندازه استحقاق طبیعی وی پرداخت شود، و مقدار لیاقت

و استعداد، و کار و کوشش او در نظر گرفته شود. در حالی در بخشش این ملاک مورد نظر نیست، شخص بخشایشگر، مال خود را بدون در نظر گرفتن استحقاق طبیعی، به دیگری می‌بخشد، از این جهت خود، در عین تقدیر و ستایش کاریست برخلاف جریان طبیعی و جنبه استثنائی دارد. لذا امیرمؤمنان در ذیل سخن خود فرمود:

العدل سائس عام والجود

عارض خاص (۲)

عدالت قانونی است همگانی و مدبر و مدیری است کلی که همه اجتماع را در بر می‌گیرد و بزرگ راهی است که همه می‌توانند از آن بروند، در حالی که جود و بخشش یک حالت استثنائی و غیر کلی است.

پاسخ دیگر

در اینجا پاسخ دیگری نیز می‌توان به این پرسش داد. و آن این که ایثار مربوط به موردی است که صرف مال در آن از اهمیت زیادی برخوردار باشد. در این مورد است که باید بجای میانه روی در انفاق از راه «ایثار» وارد شد. مثلاً انصار که بومیان مدینه بودند ناگهان با هجوم سیل مهاجره مدینه روبرو شدند، مهاجری که دستش از همه جا کوتاه شده و دست زن و بچه خود را گرفته و رهسپار مدینه شده بود، نگاهداری این گروه که به عشق اسلام و پناه بر، از دار و

۱- العدل افضل ام الجود: فقال: العدل يضع الاشياء مواضعها والجود يخرجهامن جهتها.

۲- کلمات قصار شماره ۴۳۷

یا تجمل پرستی

چیزی که به مهاجران داده شده است، رنج نمی‌برند و آنها را بر خویشتن هر چند نیازمند باشند، مقدم می‌دارند و هر کس از بغل نفس خود مصون شد او از رستگاران است.

بررسی مفاد آیه و آیه ماقبل آن پاسخ یادشده در زیر را روشن می‌کند آن این که در موضوعات مهم و از آن جمله حفظ مهاجر در مدینه در مورد آیه، و جلب قلوب یتیم و مستمند و اسیر به اسلام در مورد امیرمؤمنان که از اهمیت بسزائی برخوردار بوده است ایشار براعتدال تقدم دارد. از این جهت آنان راه ایشار را برگزیدند و از میانه روی در انفاق سرباز زدند.

بنابراین در مواردی، حفظ آن مورد، و خدمت به آن از اهمیت شایانی، برخوردار است، مانع ندارد که انسان بر خود زحمت و مشقت را هموار سازد، تا اهم جامه عمل بخود بیوشد.

دیار قطع علاقه کرده و به مدینه رو آورده بودند، از اهمیت پیشتری برخوردار بود اگر در این مورد خدمات شایانی در حق آنان انجام نگردد، اسلام از پیشرفت و گسترش بازمی‌ماند. در این مورد است که خداوند انصار را، به خاطر ایشار تعریف و توصیف می‌کند و می‌فرماید:

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ
مِن قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَن هَاجَرَ
إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ
هَمًّا حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ
عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ
خَصَاصَةٌ وَمَن يوق شِحْنَةً
فَإِنَّكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ (حشر
آیه ۹)

آنان که پیش از مهاجران (انصار) در مدینه مسکن گزیده‌اند و به شرف ایمان آراسته‌اند و کسانی را که به سوی آنان مهاجرت می‌کنند دوست دارند، هرگز از

ارمغان سیاه جهانخواران

بیش از هانصد میلیون نفر از جمعیت جهان دائم گرسنه‌اند، بیش از نیمی از کودکان جهان که به سن رفتن به مدرسه می‌رسند، نمی‌توانند به مدرسه بروند و ۸۰ میلیون نفر از جمعیت جهان بیسوادند.

بیش از نیمی از جمعیت جهان از مسکن و بهداشت محرومند. در جهان سوم از هر چهار یا - پنج نوزاد، یک نفر پیش از رسیدن به سن پنج سالگی می‌میرد و آنانکه نمی‌میرند زندگانی ناقصی دارند چون مغز و جسمشان در نتیجه گرسنگی رشد سالم نمی‌کند و دوران عمر آنان بطور متوسط بیست سال از عمر مردم دنیای ثروتمند کمتر است.

«مطبوعات»